[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

مقالهٔ علمی ـ پژوهشی

هفت‌اورنگ جامی از منظر مؤلفه‌های روان‌شناسی اجتماعی

فرانک جهانبخش*
مسروره مختاری**
عسگر صلاحی***

چکیده

تجزیه و تحلیل رفتار اجتماعی انسان و چگونگی تعامل با دیگران، از مسائل بنیادی در روان‌شناسی اجتماعی است. ازآنجاکه آثار ادبی و حکایات داستانی بازتابی از کنش‌ها و واکنش‌های بینافردی از واقعیت‌های موجود در جوامع انسانی است و از خلال تحلیل روابط شخصیت‌های داستانی و گفت‌وگوهای آنان می‌توان تا حدود زیادی به تحلیل رفتارها و تعاملات اجتماعی در جوامع گوناگون پرداخت، مقالهٔ پیش‌رو، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای، *هفت‌اورنگ* جامی را، که سرشار از حکایات و تمثیلات داستانی است، با استفاده از نظریه‌های نظریه‌پردازان روان‌شناسی اجتماعی، همچون اتو کلاین‌برگ، الیوت ارونسون، و بارون بررسی و تحلیل کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که پنج مؤلفهٔ ارتباط‌جمعی و متقاعدسازی، هم‌رنگی، کشش و جاذبه، پرخاشگری و پیش‌داوری در *هفت‌اورنگ* جامی بیش از مؤلفه‌های دیگر ظهور کرده است. حاصل سخن اینکه ساختار بسیاری از مؤلفه‌های مطرح در روان‌شناسی اجتماعی با مفاهیم و چارچوب‌های سنتی حکایات مطابقت دارد و نقش باورهای اجتماعی و قالب‌های فکری اجتماع، در ظهور هریک از مؤلفه‌ها مشهود است.

کلیدواژه‌ها: روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، جامی، *هفت‌اورنگ*، اتو کلاین‌برگ، الیوت ارونسون.

*دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی faranak_465@yahoo.com
**دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی (نویسندهٔ مسئول) mmokhtari@uma.ac.ir
***دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی a_salahi@uma.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۸
دوفصلنامهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، سال ۲۹، شمارهٔ۹۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۱۰۱-۱۲۸

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]

[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

Jami's *Haft Awrang* from the Perspective of Social Psychology Components

Faranak Jahanbakhsh*
Masroureh Mokhtari**
Asgar Salahi***

Abstract

Analysis of human social behavior and interaction with others is a fundamental issue in social psychology. Since literary works and anecdotes are reflections of interpersonal actions and reactions of the existing realities in human societies, it is possible to analyze social behaviors and interactions in different societies through the analysis of the relationships between characters and their dialogues. Using descriptive-analytical method and the desk research approach, the present study analyzed Jami's Haft Awrang, a book replete with anecdotes and allegories. We utilized the theories proposed by social psychology theorists such as Otto Klineberg, Elliott Aronson, and Baron. The findings of the study revealed that the five components of mass communication and persuasion, conformity, attraction, aggression, and prejudice are more outstanding than other components in Jami's Haft Awrang. Consequently, we can say that the structure of many social psychology components corresponds to the traditional concepts and frameworks of anecdotes, and the social beliefs and intellectual forms of society play an obvious role in the emergence of each component.

Keywords: psychology, social psychology, Jami, *Haft Awrang*, Otto Klineberg, Elliot Aronson.

* PhD Candidate in Persian Language and Literature at Mohaghegh Ardabili University, *faranak_465@yahoo.com*

** Associate Professor in persian language and literature at Mohaghegh Ardabili University, (Corresponding Author) *mmokhtari@uma.ac.ir*

***Associate Professor in persian language and literature at Mohaghegh Ardabili University, *a_salahi@uma.ac.ir*

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

۱. مقدمه

امروزه، بررسی ادبیات از منظر روان‌شناسی یکی از فراگیرترین روش‌ها برای شناخت و تحلیل آثار ادبی است. درهم‌تنیدگی ادبیات و روان‌شناسی در شناخت انسان و خصوصیات اخلاقی او تا جایی است که شاخه‌های متعددی از نقد ادبی مبتنی بر روان‌شناسی شکل گرفته است. یکی از گرایش‌های روان‌شناسی،[۱] روان‌شناسی اجتماعی[۲] است که در آن به روابط فرد در گروه و تأثیر آن بر کنش‌های او پرداخته می‌شود. ازآنجاکه در روان‌شناسی اجتماعی تأثیرات متقابل فرد و جامعه بررسی می‌شود، ادبیات و روایت‌های داستانی بستر مناسبی برای طرح و بررسی معیارها و مصادیق روان‌شناسی اجتماعی است. تمایل بشر به اجتماعی‌بودن و زندگی برمبنای هویت جمعی، واکنش‌هایی را همچون هم‌رنگی، متابعت، پرخاشگری، یا متقاعدسازی دربرابر دیگران ایجاد می‌کند که ازجمله مصادیق روان‌شناسی اجتماعی است و درقالب ادراک اجتماعی و فرآیند فعال درک دیگران جلوه می‌کند. حکایات و تمثیل‌های داستانی *هفت‌اورنگ*، که برگرفته از زندگی طبقات مختلف اجتماعی و سنت‌ها و رسوم جامعهٔ عصر شاعر است، بستر مناسبی برای بررسی تحلیل‌های روان‌شناسی اجتماعی در تعامل افراد و ایجاد ارتباط در نظام رفتاری جوامع است. وجود طبقات مختلف اجتماعی، آداب‌ورسوم مربوط به هر طبقه، فرهنگ و آیین‌های متفاوت اجتماعی و گروه‌بندی‌هایی که به‌لحاظ اجتماعی و فرهنگی در میان مردم اجتماع وجود دارد، *هفت‌اورنگ* را به گنجینه‌ای برای تحلیل‌های روان‌شناسی اجتماعی تبدیل کرده است؛ تاجایی‌که می‌توان گفت متون روایی بازتاب الگوهای زیستی جوامع و برداشتی حقیقی از واقعیات هر اجتماع است. درحقیقت، می‌توان «ادبیات را نسخه‌بدل زندگی و آن را در حد مدارک اجتماعی و تصاویری فرضی از واقعیت‌های اجتماعی دانست» (ولک و وارن، ۱۳۸۲: ۱۱۰)؛ ازاین‌رو، ریشهٔ بسیاری از رفتارهای فردی و جمعی هر ملتی را می‌توان ازطریق بررسی ادبیات و آثار ادبی مردم آن واکاوی کرد.

۱. ۱. بیان مسئله

پیوند ادبیات هر سرزمین با فرهنگ و آموزه‌های فرهنگی مردم آن انکارناپذیر است. کنش‌ها و واکنش‌های هر قوم و ملتی در جغرافیاهای مختلف دربرابر حوادث و وقایع گوناگون با یکدیگر متفاوت است. بررسی علل روان‌شناختی-جامعه‌شناختی این واکنش‌ها در خلال آثار ادبی به درک بهتری از رفتار اجتماعی و تفکر اجتماعی مردم یک سرزمین خواهد انجامید.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

این مقاله، با تعمق در *هفت‌اورنگ* جامی از منظر روان‌شناسی اجتماعی، به بررسی میزان نمود مؤلفه‌های روان‌شناسی اجتماعی در لابه‌لای حکایات و بخش‌های مختلف *هفت‌اورنگ* پرداخته است. غالب حکایات *هفت‌اورنگ* متضمن مضامین اخلاقی، دینی و عرفانی است و صبغهٔ تعلیمی دارد و دربردارندهٔ افکار و آمال و تجربیات گستردهٔ اقوام و فرهنگ‌های گوناگون است که از لابه‌لای پیچیدگی‌های روحی و روانی آن قوم و ملت برخاسته و بررسی ساختار و رفتار و اعمال شخصیت‌های داستانی و موضوع و مضمون آنها، لایه‌های زیرین اجتماع و فرهنگ مردم برخاسته از آن اجتماع را نمودار می‌سازد. اینکه افراد در هر موقعیت و با توجه به عضویت در گروه‌های مختلف اجتماع چه واکنشی از خود نشان می‌دهند، در شمار بنیادی‌ترین مسائل مورد بررسی در پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی است. در جستار حاضر، با استفاده از مؤلفه‌های مطرح در روان‌شناسی اجتماعی و بهره‌گیری از نظریات روان‌شناسان اجتماعی، همچون الیوت ارونسون،[۳] بارون[۴] و اتو کلاین‌برگ،[۵] به بررسی رفتار شخصیت‌ها و علل شکل‌گیری آن در حکایات *هفت‌اورنگ* پرداخته شده است.

۱. ۲. ضرورت پژوهش

امروزه، مطالعات بینارشته‌ای اهمیت فراوانی دارد. پیچیدگی‌های روان بشری و تأثیراتی که بر عملکرد انسانی در محیط اجتماعی دارد، ازجمله موضوعات مورد توجه بسیاری از شاخه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است. ازسوی‌دیگر، بسیاری از مفاهیم روان‌شناختی نیز در لابه‌لای آثار ادبی قابل درک و پیگیری است. ادب تعلیمی بخش بزرگی از ادبیات کهن ایران را دربرگرفته و مضمون بسیاری از تألیفات گذشتگان ارتباط تنگاتنگی با اصول اخلاقی و تعلیمی دارد. *هفت‌اورنگ* جامی سرشار از حکایات عامیانه‌ای است که از خلال آنها می‌توان به بررسی چگونگی تأثیر گروه و روابط اجتماعی بر افکار و احساسات اشخاص پرداخت؛ ازاین‌رو، در این مقاله، با استفاده از معیارها و مؤلفه‌های روان‌شناسی اجتماعی، تأثیر گروه بر فرد و نیز انعکاس تأثیر اجتماع بر واکنش افراد در موقعیت‌های مختلف بررسی می‌شود. از خلال بررسی ادبیات و آثار ادبی در موقعیت‌های متفاوت می‌توان علل انواع پاسخ‌ها به موقعیت‌های اجتماعی گوناگون را سنجید، عللی که بر چیدمان فرهنگی مردم یک سرزمین در ادوار مختلف تأثیر فراوانی گذاشته است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

۱. ۳. پیشینهٔ پژوهش

با توجه به نوپابودن روان‌شناسی اجتماعی، پژوهش‌های اندکی با استفاده از این نظریه در ادبیات و متون ادبی انجام شده است؛ برای مثال، مقالهٔ شفیعی‌کدکنی با عنوان «روان‌شناسی اجتماعی شعر فارسی» از جملهٔ این پژوهش‌هاست که در آن به بحث تخلص در اشعار فارسی پرداخته شده است. مقالهٔ دیگر «رفتارشناسی شخصیت‌های داستان‌های ″عدل″ و ″دزد قالپاق″ نوشتهٔ صادق چوبک براساس نظریات روان‌شناسی اجتماعی» به‌قلم قاسم صحرایی است که در آن، نویسنده به بیان علل رفتار افراد مختلف در حضور دیگران پرداخته است. پایان‌نامه‌هایی نیز با عنوان‌های «بررسی و تحلیل محتوای *مثنوی* مولوی براساس مقوله‌های مطرح در روان‌شناسی اجتماعی و دلالت‌های تربیتی آن» از ستاره سلمانی، و «تحلیل داستان‌های کوتاه برگزیدهٔ سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ از دیدگاه مؤلفه‌های روان‌شناسی اجتماعی» از سیده نجمه آذرنیا و «تحلیل داستان‌های کوتاه برگزیدهٔ دههٔ هشتاد با رویکرد روان‌شناسی اجتماعی» از آرزو حیدری از منظر این پژوهش به بررسی متون ادبی پرداخته‌اند، اما ازآنجاکه رویکرد اغلب پژوهش‌های صورت‌گرفتهٔ پیش از این، بیشتر بر آثار ادبی معاصر تأکید داشته است و متون ادبی کهن کمتر از منظر مقولات مطرح در حوزهٔ روان‌شناسی اجتماعی قرار گرفته‌اند و با توجه به اینکه ادبیات و متون روایی و داستانی، در غالب موارد، برخاسته از واقعیت‌های اجتماعی است و با بررسی آثار ادبی، می‌توان به علل و عوامل شکل‌گیری بسیاری از رویکردهای فرهنگی در یک اجتماع دست یافت، مقالهٔ پیش‌رِو با هدف تحلیل و بررسی یکی از متون روایی کهن، یعنی *هفت‌اورنگ* جامی، از منظر روان‌شناسی اجتماعی نگاشته شده است.

۲. مبانی نظری پژوهش

صاحب‌نظران روان‌شناسی را علمی دانسته‌اند که رفتار و فرآیندهای ذهنی افراد را مطالعه می‌کند، اما روان‌شناسی اجتماعی دانش مطالعهٔ اعمال و واکنش‌های فردی است که از دیگران متأثر شده است. این تأثیر گاه مستقیم و ازطریق اطرافیان شخص صورت می‌گیرد و گاه ممکن است غیرمستقیم باشد. روان‌شناسان اجتماعی معتقدند هر عملی که از شخص سر بزند، معلول علتی اجتماعی است، حتی رفتارهای شخص در تنهایی نیز مشمول چنین نگرشی است. به‌طورکلی، در تاریخچهٔ روان‌شناسی اجتماعی می‌توان به سه تمایل عمده اشاره کرد:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

روان‌شناسی اجتماعی بیش‌ازپیش صورت تطبیقی به خود گرفته و این عقیده رواج یافته است که هرگاه تنها در یک تاروپود فرهنگی به مطالعهٔ رفتار روانی بپردازیم، این رفتار چنان‌که بایدوشاید مفهوم نمی‌شود؛ ازاین‌رو، بیش‌ازپیش از مواد و معلومات قوم‌شناسی و جامعه‌شناسی مربوط به فرهنگ‌ها و جوامع مختلف استفاده می‌شود. دوم اینکه، روان‌شناسی اجتماعی بیش‌ازپیش تجربی شده است؛ یعنی رفته‌رفته می‌توان به‌مدد فنونی آن را عینی و تجربی ساخت. سوم اینکه، روان‌شناسی اجتماعی به‌نحو آشکارتری جنبهٔ علم عملی به خود گرفته و دارای مفهوم و معنی عملی بوده و دربارهٔ مناسبات انسانی حائز فوائد عملی شده است (کلاین‌برگ، ۱۳۸۶: ۳۴).

مبانی نظری این پژوهش با استفاده از نظریات الیوت ارونسون و کلاین‌برگ شکل گرفته است، اما به‌فراخور متن، از نظر روان‌شناسان اجتماعی دیگر، همچون دیوید مایرز، رابرت بارون و دیگران، در تحلیل داستان‌ها استفاده شده است. الیوت ارونسون، دانشمند، پژوهشگر و متخصص برجسته در زمینهٔ روان‌شناسی اجتماعی است. او تنها فردی است که در تاریخ ۱۲۰سالهٔ انجمن روان‌شناسی آمریکا، موفق شده هر سه جایزهٔ آن را در حوزه‌های «نگارش»، «آموزش» و «پژوهش» به‌دست آورد.

مؤلفه‌های روان‌شناسی اجتماعی مسائلی همچون رفتار فرد در گروه، هم‌رنگی با جماعت، بررسی نگرش و تغییرات آن در افراد، پرخاشگری، کشش و جاذبه، توجیه خود، پیش‌داوری، تقلید، ارتباط جمعی، و متقاعدسازی است که با توجه به جامعهٔ آماری و موضوع مطالعه و زمان شکل‌گیری اثر ممکن است یک یا چند متغیر پررنگ‌تر جلوه کند.

۲. ۱. تعریف روان‌شناسی اجتماعی

کلاین‌برگ معتقد است که روان‌شناسی اجتماعی علم مطالعهٔ افراد در گروه است. این شاخه از روان‌شناسی، تأثیر متقابل روانی میان انسان و جامعه را بررسی می‌کند. به‌عقیدهٔ اریک فروم:

وظیفهٔ این بخش از علم آن است که نه‌تنها نمایانگر این باشد که چگونه تحولات، خواسته‌ها و هیجان‌ها به‌عنوان ثمرهٔ سیر اجتماع تغییر و رشد می‌کنند، بلکه چگونه نیروهای انسان که به‌صورت قالب‌هایی ویژه شکل می‌گیرند، تبدیل به نیروهای باروری می‌گردند که خود سیر اجتماع را قالب‌ریزی می‌کنند (فروم، ۱۳۶۳: ۱۸).

از منظری دیگر، روان‌شناسی اجتماعی را علم مطالعهٔ علل رفتار و افکار افراد در موقعیت‌های اجتماعی دانسته‌اند. «موقعیت‌های اجتماعی موقعیت‌هایی است که تحت‌تأثیر حضور واقعی،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

خیالی یا ضمنی دیگران باشد» (سالاری‌فر و همکاران، ۱۳۹۶: ۵). به‌عبارت‌دیگر، بررسی علل تأثیر گروه و جمع بر رفتار و واکنش افراد محوری‌ترین موضوع روان‌شناسی اجتماعی است. جامعه‌شناسی نیز، همانند روان‌شناسی اجتماعی، رفتار افراد را در گروه بررسی می‌کند، اما «جامعه‌شناسی به رفتارها، چنان‌که در افراد خاصی ظاهر می‌شوند، کاری ندارد، بلکه آنها را به‌صورت جمعی در نظر می‌گیرد، اما روان‌شناسی اجتماعی به‌عکس در رفتارها به مطالعهٔ چگونگی ایجاد آنها در فرد می‌پردازد» (استوتزل، ۱۳۷۴: ۲۹-۳۰). می‌توان گفت «این علم و موضوع آن، که کنش و واکنش بین انسان‌هاست، تحت‌تأثیر برخوردهای نظری‌ای که براساس برداشت‌های ضمنی از طبیعت انسان شکل گرفته‌اند قرار دارد» (دوچ و کراوس، ۱۳۸۵: ۲۱).

۲. ۲. پیشینهٔ روان‌شناسی اجتماعی

دربارهٔ پیشینهٔ روان‌شناسی اجتماعی، مانند بسیاری دیگر از رشته‌های علمی، از افلاطون و ارسطو به‌منزلهٔ اولین روان‌شناسان اجتماعی یاد می‌شود. افلاطون در کتاب *جمهوری* نوعی طبقه‌بندی اجتماعی برای مردم جامعه قائل شد. ارسطو نیز انسان را حیوان اجتماعی خواند؛ به‌همین‌دلیل، برخی روان‌شناسان اجتماعی مثل ارونسون او را نخستین روان‌شناس اجتماعی می‌دانند که ۳۵۰ سال پیش از میلاد اصول اساسی نفوذ اجتماعی و متقاعدسازی را تنظیم کرده است. به‌صورت علمی، روان‌شناسی اجتماعی از دههٔ ۱۸۸۰ به بعد آغاز به‌کار کرد. در دورهٔ ۱۸۸۰ تا ۱۹۳۵، این علم با مطالعات آزمایشگاهی و تجربی شکل گرفت و به‌مرور، در طول سالیان، مباحث و موضوعات متعددی را دربرگرفت. «طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی نظریه‌پردازی‌ها در روان‌شناسی اجتماعی رشد چشمگیری پیدا کرد و در سال‌های ۱۹۸۰ به بعد دو رویکرد شناختی و مباحث بهداشت شخصی و رفتارهای حقوقی در روان‌شناسی اجتماعی بسیار تأثیرگذار بودند» (سالاری‌فر و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۴).

> از ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۰ را بعضی از روان‌شناسان اجتماعی «دوران کلاسیک» این رشته می‌دانند. اما سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۵ را سال‌های «اعتماد و بحران» در روان‌شناسی اجتماعی گفته‌اند. دراین‌دوره، با محکم‌شدن پایه‌های روان‌شناسی، دامنهٔ پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی گسترده‌تر شد. اما از سال ۱۹۷۶ به‌این‌طرف را می‌توان دورهٔ «کثرت‌گرایی» نامید که در آن مجادله‌های سال‌های قبل به استانداردهای اخلاقی در روش‌های تحقیق منجر شد (کریمی، ۱۳۹۹: ۱۳-۱۴).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

نخستین آزمایش روان‌شناسی اجتماعی را تریپلت[۶] در سال ۱۸۹۷ انجام داد که اثر رقابت و هم‌چشمی را بر عملکرد سنجید. همچنین، ازجمله اندیشمندانی که در راستای گسترش روان‌شناسی اجتماعی پیشتاز بوده‌اند، می‌توان از تارد[۷] و لوبون[۸] فرانسوی نام برد.

> تارد به تحلیل تقلید و تلقین پرداخته است که به‌عقیدهٔ او کلید رمز اجتماع هستند. لوبون به روان‌شناسی انبوه خلق و تأثیر تلقین در هر نژاد می‌پردازد. بعد از جنگ جهانی دوم نیز کورت لوین[۹] شیوه‌های رهبری را مطالعه کرد. اما نخستین کتابی که عنوان روان‌شناسی اجتماعی گرفت، کتاب پروفسور راس[۱۰] است که در سال ۱۹۰۸ انتشار یافت (کلاین‌برگ، ۱۳۸۶: ۳۳).

بعدها کتاب‌های متعددی دراین‌باره منتشر شد که حوزهٔ فعالیت این رشته را وسعت بخشید. اما در تاریخچهٔ تدوین و تحول روان‌شناسی اجتماعی، جرج هربرت مید[۱۱] نیز حضور پررنگی داشته است. او بیشتر با نظریهٔ «کنش متقابل نمادین» شناخته شده است. طبق این نظریه، مید معتقد بود که انسان‌ها به‌شکلی نمادین معانی مختلفی را به دیگران منتقل می‌کنند و دیگران این نمادها را تفسیر می‌کنند و برمبنای همین تفسیرها واکنش نشان می‌دهند. نظریه‌پردازان بسیاری در حوزهٔ روان‌شناسی اجتماعی به تحقیق و تألیف و پژوهش اشتغال داشته و دارند و کتاب‌های متعددی در این زمینه منتشر شده است.

۲. ۳. مؤلفه‌های روان‌شناسی اجتماعی

مباحث محوری و اصلی روان‌شناسی اجتماعی در قالب مشخصه‌ها و مؤلفه‌هایی قابل بررسی است که صاحب‌نظران در هر مورد از آنها نظریات مختلفی دارند. موارد منتخب در این پژوهش عبارت‌اند از:

ـ هم‌رنگی[۱۲] با جماعت

هم‌رنگی را می‌توان «تغییر در رفتار یا عقاید شخص درنتیجهٔ اعمال فشار واقعی یا خیالی از طرف فردی دیگر یا گروهی از مردم تعریف کرد» (ارونسون، ۱۳۹۶: ۴۷). گاه، هم‌رنگی نتیجهٔ فشار واقعی اطرافیان است و گاه هم ناشی از دسترسی‌نداشتن به اطلاعات درست یا دریافت اطلاعات ناقص است. انواع پاسخ به همرنگی یا نفوذ اجتماعی عبارت‌اند از: ۱. متابعت ۲. همانندسازی ۳. درونی‌کردن. در واقع، انواع پاسخ به موقعیت‌های اجتماعی متفاوت است و گاه ازطریق متابعت و گاه ازطریق همانندسازی و گاه ازطریق درونی‌کردن یک ارزش یا اعتقاد

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

یا عقیده صورت می‌پذیرد. گاه نیز واکنش افراد برای رسیدن به موقعیت برتر تقلید از عقاید و افکار و اعمال دیگران است.

ـ پرخاشگری[۱۳]

پرخاشگری در تعریف «رفتاری قدرت‌نمایانه است که ازطریق اعمال خشونت جسمانی، لفظی یا روان‌شناختی صورت می‌گیرد» (هام، ۱۳۸۲: ۲۹). پرخاشگری یعنی عملی که به آسیب‌رسانی به دیگران منجر شود. آسیب‌رسانی طیف وسیعی از آسیب‌های روانی و جسمی را دربرمی‌گیرد. پرخاشگری ممکن است دلایل متعددی ازجمله خشم، ناکامی، شکست و درد و... را دربربگیرد. سه نظریه دربارهٔ علل پرخاشگری وجود دارد: ۱. نظریهٔ غریزه: فروید از پیشگامان طرح این نظریه بود که بر این امر استوار است که مسائل زیستی همچون وراثت و خون در ایجاد پرخاشگری نقش دارند. ۲. دیدگاه یادگیری اجتماعی: برمبنای این‌دیدگاه، پرخاشگری رفتاری آموختنی دانسته شده و خانواده و فرهنگ و رسوم بر پرخاشگری افراد و و شدت و ضعف آن تأثیر دارند. ۳. ناکامی: این‌دیدگاه ناکامی را علت خشم می‌داند و اگر محرک‌های خشم و پرخاشگری نیز موجود باشد، به پرخاشگری ختم می‌شود.

ـ کشش و جاذبه

اینکه انسان‌ها چه وقت و چگونه به اطرافیان خود جذب می‌شوند و چه ویژگی‌هایی در تمایل انسان‌ها به یکدیگر مؤثر است، ازجمله مؤلفه‌های مطرح در روان‌شناسی اجتماعی است. اینکه ویژگی‌های ظاهری یا خصوصیات اخلاقی تا چه حد به ایجاد ارتباط متقابل و ایجاد واکنش دربرابر جاذبهٔ افراد می‌انجامد، از بحث‌های محوری در این حوزه است. داشتن علایق و عقاید مشابه و برخورداری از مهارت‌ها و قابلیت‌های متفاوت یا متضاد در جذب افراد به یکدیگر مؤثر است. درحقیقت، «اساس بحث جاذبهٔ میان‌فردی آن است که چرا برخی افراد را دوست داریم و به برخی دیگر بی‌علاقه هستیم و زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر ایجاد علاقه و کشش میان افراد کدام‌اند» (طلوعی، ۱۳۹۷: ۲۵۸).

ـ پیش‌داوری و تبعیض

نگرش‌های منفی و غیرمنطقی به افراد یا گروه‌های مختلف یا مناطق جغرافیایی و... را، که بیشتر برمبنای اطلاعات و آگاهی‌های ناقص یا نادرست شکل گرفته است، پیش‌داوری می‌نامند. «پیش‌داوری حکم مقدم بر تجربه است؛ یعنی اساس یا واکنشی است که شخص نسبت به کسی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

یا چیزی پیش از هرگونه تجربهٔ واقعی دارد» (کلاین‌برگ، ۱۳۸۶: ۵۸۵). تبعیض و بی‌عدالتی ازجمله پیامدهای پیش‌داوری است. قالب‌های فکری و تعصب و طبقات مختلف اجتماعی و سنن و آداب و رسوم ازجمله عوامل اصلی در شکل‌گیری پیش‌داوری و تبعیض است.

ـ ارتباط جمعی و متقاعدسازی

اقناع یا متقاعدسازی به‌طورکلی به‌معنی تغییر گرایش برمبنای دریافت اطلاعات جدید است. «همچنین، به‌معنی تحت تأثیر قراردادن واکنش‌ها و نگرش‌های افراد در رابطه با موضوعات خاص است» (برکویتز، ۱۳۷۲: ۲۶۶). عوامل متعددی در ارتباط و تأثیر آن نقش دارند که می‌توان از منبع ارتباط (منتقل‌کنندهٔ پیام و ویژگی‌های او)، ماهیت پیام (نحوهٔ بیان پیام)، و خصوصیات مخاطبان (دریافت‌کنندگان پیام) نام برد.

۳. بحث و بررسی: مؤلفه‌های منتخب روان‌شناسی اجتماعی در *هفت‌اورنگ* جامی

۳. ۱. هم‌رنگی

هم‌رنگی به‌معنای تغییر عقاید، رفتار و اعمال افراد درنتیجهٔ فشار ظاهری یا خیالی اطرافیان است. سابقهٔ این بحث در روان‌شناسی اجتماعی به موضوع متقاعدسازی برمی‌گردد. این مؤلفه در برخورد افراد با یکدیگر در اجتماع ممکن است نمودهای مختلفی به خود بگیرد. دلایل و روش‌های هم‌رنگی هم ممکن است متعدد باشد. این امر گاه ازطریق متابعت‌کردن یا ازطریق درونی‌کردن یک اعتقاد یا ازطریق الگوقراردادن رفتار دیگران رخ می‌دهد، اما برای این مؤلفه نام‌های دیگری نیز ذکر شده است:

> گاه در روان‌شناسی اجتماعی به‌جای استفاده از اصطلاح سادهٔ هم‌رنگی، از «نفوذ اجتماعی» استفاده می‌شود، تا طبقه‌بندی‌ای ارائه شود که در کل طیف نفوذ اجتماعی کاربرد داشته باشد؛ بدین‌ترتیب، بین سه‌گونه پاسخ به نفوذ اجتماعی، یعنی متابعت، همانندسازی و درونی‌کردن، تمایز قائل می‌شوند (ارونسون، ۱۳۹۶: ۶۱).

دلایل بسیاری برای تمایل افراد به هم‌رنگی وجود دارد؛ برای مثال، «دو انگیزهٔ مهم زیربنای تمایل ما به هم‌رنگی هستند: تمایل به مورد علاقهٔ دیگران واقع‌شدن و تمایل به درست و صحیح بودن نظرمان» (بارون و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۱۶). به‌طورکلی، می‌توان نقش جمع و گروه را در ایجاد رفتار اجتماعی بسیار پررنگ دانست. «رفتار اجتماعی عبارت است از جمع برخوردهای مردم در یک محیط خاص و یا یک محیط جغرافیایی» (گلاور و برونینگ، ۱۳۸۵: ۳۲۹).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

یکی از مصادیق هم‌رنگی در جوامع انسانی متابعت از مراجع قدرت است. در طول تاریخ، دست‌یافتن افراد به قدرت سیاسی و حفظ آن به متابعت زیردستان وابسته بوده است. استبداد حکومت‌ها، که ازطریق تهدید به شکنجه یا وعدهٔ اطعام و ثروت دیگران را به پیروی از فرمان‌های خود مجاب می‌کردند، مصداق متابعت است. در میان حکایت‌های متعدد *هفت‌اورنگ*، به مصادیق فراوان این موضوع برخورد می‌کنیم. اطاعت از مرجع قدرتی که مشروعیت خود را با استفاده از دین، کسب برتری در نزاع و جنگ، یا به‌میراث‌بردن سلطنت کسب کرده و خود را مرکز تصمیم‌گیری می‌داند، به همرنگی مردم اجتماع منجر می‌شود. جامی نمونهٔ چنین تفکری را در «سلسله‌الذهب» آورده است. او کسانی را مذمت کرده است که شرع را بهانهٔ آزاررساندن به مسلمانان می‌سازند و کارهای باطل را به‌صورت حق جلوه می‌دهند و دیگران را مجبور به اطاعت خویش می‌سازند: «آنکه شرع خدای ازوست تباه/ نیست گویا ز سِر شرع آگاه» (جامی، ۱/۱۳۷۸: ۱۶۴). اشارهٔ جامی به کسانی است که ازطریق هم‌رنگی با حاکمان واقعی شرع و درعین بی‌بهرگی از باطن دین، به‌دلیل برخورداری از قدرت و توانایی اعمال نفوذ بر مردم، هم خود از قِبَل همرنگی با حاکمان حقیقی شرع به منفعت می‌رسند و هم سبب هم‌رنگی زیردستان می‌شوند و مردم را به متابعت بی‌چون‌وچرا وامی‌دارند. نمونهٔ چنین هم‌رنگی‌ای در *هفت‌اورنگ* بسیار است؛ برای مثال، در حکایت «امیر خوارزم که ظلم و فسق خود را به شریعت راست کردی» (همان، ۳۶۰)، از حاکمی سخن به‌میان آمده که ظلم و جور شیوهٔ او است و در راه رسیدن به کام، با وجود منع شریعت، با حیله و نیرنگ و اتهام کفر به دختران مسلمان، آنان را بندهٔ خود ساخت و به هدف شیطانی خود دست یافت. متابعت «رفتاری است که به‌منظور کسب پاداش یا اجتناب از تنبیه برانگیخته می‌شود و تا زمانی دوام دارد که وعدهٔ پاداش یا تهدید به تنبیه موجود باشد» (ارونسون، ۱۳۹۶: ۶۱). متابعت ناپایدارترین سطح نفوذ اجتماعی است و کمترین تأثیر را در فرد دارد. ارونسون معتقد است شخص متابعت‌کننده از جبری که در موقعیت خاصی ایجاد می‌شود آگاه است و می‌تواند در غیاب آن موقعیت رفتار خود را به‌آسانی تغییر دهد. جامی در دفتر اول «سلسله‌الذهب» «در بیان آنکه مراد انسان کُمّل افراد انسان است نه اناسی حیوانی» (جامی، ۱/۱۳۷۸: ۱۳۳)، با اشاره به دستگاه عریض و طویل ریاکاری شیخان و زاهدان دروغین، از متابعت افراد بسیار از ایشان یاد کرده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

نوع دیگری از هم‌رنگی درقالب همانندسازی شکل می‌گیرد. در حکایت «در مذمت آنان که به‌جهت اجتماع عوام و استجلاب منافع معاش از ایشان مجالس آرایند و به سبیل جهر و اعلان به ذکر حق، سبحانه و تعالی، اشتغال نمایند» (همان، ۸۲)، جامی بار دیگر به پدیدهٔ زاهدان ریاکار پرداخته و نمونه‌ای از چگونگی کار و فعالیت آنان را درقالب داستان بیان کرده است.

> همانندسازی پاسخ به نفوذ اجتماعی مبتنی بر آرزوی شخص برای همانندشدن با شخصیتی صاحب‌نفوذ است. در همانندسازی نیز، همانند متابعت، رفتار فرد ناشی از رضایت درونی نیست. تفاوت همانندسازی با متابعت در این است که در همانندسازی فرد به عقاید و ارزش‌هایی که اختیار کرده است اعتقاد پیدا می‌کند، هرچند این اعتقاد خیلی استوار و پابرجا نیست (ارونسون، ۱۳۹۶: ۶۱).

زندگی در هر اجتماع با جوامع دیگر متفاوت است. در فرهنگ‌های جمع‌گرا همچون فرهنگ‌های شرقی، برخلاف فرهنگ فردگرای غربی، اهمیت نیکویی و حتی تظاهر به آن و پذیرفته‌شدن ازطرف دیگران و منافع متعددی که این پذیرش برای فرد دربردارد، سبب می‌شود تلاش افراد برای تظاهر نیز مضاعف شود. گوستاو لوبون اعتقاد داشت که «انبوه خلق» حالت خاصی دارد که با افرادی که آن را تشکیل می‌دهند متفاوت است.

> افراد چه وضع زندگانی و چه کاروبار و خلق‌وخوی و هوششان شبیه به‌هم باشد و چه نباشد، همین‌که به انبوهی مبدل شدند، نوعی روح جمعی در آنان پیدا می‌شود. این روح وادارشان می‌کند که طوری فکر و احساس و عمل کنند که با احساس و فکر و عمل فردی آنها فرق دارد (کلاین‌برگ، ۱۳۸۶: ۵۱۵).

موضوع زاهدان ریایی یکی از تأمل‌برانگیزترین موارد همرنگی‌های برخاسته از حس منفعت‌طلبی است. کسب احترام عمومی، عواید خانقاه‌ها، دست‌یابی به مناصب دولتی و درباری ازجمله منافع زاهدان ریایی بوده است. ازسوی‌دیگر، «جاذبه و کشش بخش مهم همانندسازی هستند. این جاذبه و کشش به شخص یا گروهی مربوط می‌شود که فرد خود را با او همانند می‌کند و مایل است عقایدی مشابه او داشته باشد» (ارونسون، ۱۳۹۶: ۶۴).

زهاد ریاکار و هم‌رنگی با آنان را از جنبهٔ «خاصیت جمع و عضو گروه بودن» نیز می‌توان بررسی کرد. در واقع «استغراق شخص در گروه، چنان او را از خود بی‌خود می‌کند که موقتاً از مقتضیات خصوصی خود غافل می‌شود. این فرآیند لزوماً نتیجهٔ تصمیم خود شخص نیست، بلکه اقتضای طبیعت جمع است» (کوئن، ۱۳۷۸: ۳۲۸). تقلید یکی از شایع‌ترین رفتارهای

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

بشر از ابتدا تا امروز بوده است. یکی از ابزارهای یادگیری ازمنظر روان‌شناسی، یادگیری مشاهده‌ای یا تقلید است. نظریهٔ شناخت اجتماعی به نقش تقلید و مشاهده در یادگیری اهمیت بسیاری می‌دهد. روان‌شناسی اجتماعی درباب تقلید بر هر دو جنبهٔ مثبت و منفی آن تأکید دارد؛ زیرا افراد ازطریق تقلید، عقاید و افکار و فرهنگ را می‌آموزند. کلاین‌برگ تقلید را بخشی از «تعامل اجتماعی» می‌داند و آن را تابع رفتار فرد در گروه برمی‌شمارد. گابریل تارد، جرم‌شناس و جامعه‌شناس فرانسوی، یکی از کسانی است که در حوزهٔ تقلید در اجتماع تحقیق کرده است. «وی معتقد بود تقلید واقعهٔ اجتماعی اساسی است و قوانینی وجود دارد که طبیعت و اثر تقلید را تشریح و توصیف می‌کند. تحول اجتماعی نیز از این‌راه ممکن است» (کلاین‌برگ، ۱۳۸۶: ۵۰۶). بی‌تردید، تعامل اجتماعی بشر در طول تاریخ از این پدیده متأثر بوده است. دربارهٔ تقلید در بین روان‌شناسان اجتماعی عقاید مختلفی وجود دارد. در واقع «فرد عقاید، افکار و عواطف خود و سایر مظاهر تمدن را از دیگران فرامی‌گیرد. بیشتر روان‌شناسان تقلید بجا را یکی از عوامل ترقی افراد جامعه می‌دانند و آن را مروج ابتکار و مکمل آن می‌دانند» (حیدریان، ۱۳۴۷: ۲۵). تقلید در صورتی انجام می‌گیرد که عمل تقلیدشده معنی خاصی برای مقلد داشته باشد و او در خود میل به تقلید را احساس کند. «هرچه فرد بیشتر با الگو همانندسازی کند و هرچه بیشتر تمایل به سازگاری با گروهی خاص داشته باشد، این الگوهای نقش تأثیرگذارتر خواهند بود» (بونر و وانک، ۱۳۹۰: ۱۱۷).

تقلید به‌شکل‌های گوناگونی در جوامع انسانی قابل بررسی است. در *هفت‌اورنگ* و در دورهٔ موردنظر پژوهش، جنبه‌های مثبت و منفی تقلید به‌تصویر کشیده شده است؛ برای مثال، در حکایت «آن عجمی که کلمات عربی شنید و دعا پنداشت» (جامی، ۱/۱۳۷۸: ۶۵۶)، با رفتار فردی عجم روبه‌رو می‌شویم که در برخورد با عرب‌هایی که در گفت‌وگو با همدیگر بودند، گفته‌های آنان را دعا پنداشت و از در توبه برآمد. در این نمونه، جامی اخلاص را شرط پذیرش عمل تقلیدی دانسته و ازاین‌رو آن را مشمول غفران و رضای الهی دانسته است. این درحالی است که در موارد دیگری همچون «قصهٔ کلنگی که او را چون باز، شکارکردن کبوتر هوس کرد و به‌واسطهٔ این‌هوس از گرفتن کرم‌های آبی بازماند و به شکار کبوتر نرسید، بلکه خود شکاری دیگر شد» (همان، ۱۵۳) و نیز «حکایت زاغی که چندروز در قفای کبکی دوید و از رفتار خود بازمانده به وی نرسید» (همان، ۵۳۷)، با انتقاد از تقلید کورکورانه، آن را آفتی برای

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

شخصیت فرد دانسته است. علاوه‌براین، در مبانی عرفان اسلامی، شرط سلوک «تقلید از مرد راه‌شناس» است که در *هفت‌اورنگ* مصادیق بسیاری دارد. ازجمله در «سلسله‌الذهب»، در «اشارت به تقسیم حیرت محمود و مذموم» (همان، ۲۸۰)، یکی از روش‌های زدودن شک و برگزیدن راه درست در وادی عرفان تقلید از مراد و مقتدا دانسته شده است. این موضوع در حکایت‌های ذیل نیز مصداق دارد: «در بیان آنکه ازخودی‌رستن در خدمت پیر صاحب‌تصرف دست دهد» (همان، ۸۹)، و «در پرده‌گشایی از گشادگی دل و بیان آنکه در پهلوی راستان به وی توان رسید» (همان، ۵۷۰)، و «در بیان آنکه دل در پهلوی صاحبدل دل شود» (همان، ۴۹۰)، و «صحبت اول با پیر روشن‌ضمیر و رسیدن مرید به دولت علم‌الیقین» (همان، ۴۹۲)، و «صحبت دوم با پیر صاحب‌تمکین و روشن‌شدن مرید به نور عین‌الیقین» (همان، ۴۹۴)، و «صحبت سوم با پیر حقیقت‌بین...» (همان، ۴۹۶).

علاوه‌براین، جامی، درکنار آموزه‌های تعلیمی و توصیه به پیروی از ارباب علم و ادب و بزرگان عرفان، از محاسن متعدد درآمدن به خصال نیک‌مردان صحبت به‌میان آورده و تلاش درجهت هم‌رنگی با طایفهٔ نیکان را بهترین راهکار برای درآمدن در سلک راستان و نیکان دانسته است؛ برای مثال، در «گر تو را صحبت نیکان باید/ جز به نیکی ره آن نگشاید» (همان، ۶۷۳). نوع دیگری از هم‌رنگی را می‌توان از جنبهٔ «درونی‌کردن» بررسی کرد.

> درونی‌کردن یک ارزش یا اعتقاد، عمیق‌ترین و پایدارترین پاسخ به نفوذ اجتماعی است و انگیزهٔ درونی‌کردن یک اعتقاد خاص، مبتنی بر این تمایل است که می‌خواهیم رفتار و افکارمان درست و صحیح باشد؛ بنابراین، پاداش برای آن اعتقاد پاداشی درونی است. اگر شخص صاحب‌نفوذ مورد اعتماد ما باشد و قضاوتش را معتبـر بدانیم، عقیده‌ای را که وی از آن جانبداری می‌کند می‌پذیریم (ارونسون، ۱۳۹۶: ۶۲).

بخش بزرگی از ادب تعلیمی و عرفانی ایرانیان به این مؤلفهٔ روان‌شناسی اجتماعی پرداخته است. پیروی از «پیر» و لزوم تمسک‌جستن به او در عرفان ازمنظر روان‌شناسی اجتماعی با صفت درونی‌کردن یک اعتقاد دربرابر پاسخ به نفوذ اجتماعی تبیین‌پذیر است. هم‌رنگی درونی پذیرش نامیده می‌شود. «پذیرش گاهی پس از پیروی روی می‌دهد. ممکن است چیزی را که در آغاز نسبت به آن تردید داشتیم سرانجام به‌طور درونی باور کنیم» (مایرز، ۱/۱۳۹۲: ۲۸۷). در درونی‌کردن، جزء مهم پذیرفتنی‌بودن است. تأکید متون عرفانی بر پیروی از پیر و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

چون‌وچرانکردن در این‌راه، بر پیروی قبل از پذیرش تأکید دارد. مصادیق فراوانی از پیروی مریدان از پیران در *هفت‌اورنگ* وجود دارد که تبیین آن ازطریق درونی‌کردن میسر می‌شود؛ برای مثال، در «حکایت آن مرید گرم‌رو که به فرمودهٔ پیر پخته‌کار در تنور فروزان نشست» (جامی، ۱۳۷۸: ۱/ ۵۹۶)، با رفتاری حاکی از متابعت مریدی صادق مواجهیم که از روی صدق و پذیرش کامل به دستور پیر در تنوری که افروخته بود نشست و صداقت او سبب سردشدن آتش بر او شد. قابلیت پذیرش پیر برای مرید درحدی است که گفتار و رفتار او در مرید درونی‌شده و بی‌هیچ درنگی قابلیت اطاعت‌پذیری دارد. به‌عبارت‌دیگر «پس‌ازاینکه عقیده‌ای در سلک نظام عقیدتی شخص درآمد، از منبع خود مستقل می‌شود و درمقابل تغییر به‌سختی مقاومت می‌کند» (ارونسون، ۱۳۹۶: ۶۲).

۳. ۲. پرخاشگری

موضوع دیگری که در روان‌شناسی اجتماعی بسیار بر آن تأکید شده است و در رفتار افراد مورد بررسی قرار می‌گیرد پرخاشگری است.

> پرخاشگری یعنی عملی که به آسیب‌رسانی عمدی به دیگران منتهی شود؛ البته، ممکن است این آسیب‌رسانی در انواع شیوه‌ها پیاده شده و حتی متضمن آزارهای روانی نظیر تحقیر، توهین و فحاشی نیز شود، اما درهرحال مفهوم آسیب به تعارض رفتارها ارجاع دارد؛ ازاین‌رو، خشونت تنها یکی از انواع پرخاشگری به‌شمار می‌آید. به‌این‌لحاظ، خشونت را حاوی مبادرت عمدی در ایجاد آسیب‌های جسمانی به دیگران تلقی می‌کنیم (برکویتز، ۱۳۷۲: ۴۲۳).

دربارهٔ منشأ پرخاشگری دیدگاه‌هایی همچون ذاتی‌بودن پرخاشگری، یا نظریه‌های زیست‌شناختی، یادگیری اجتماعی و نظریهٔ شناختی وجود دارد که هرکدام به یکی از مواردی که ممکن است منشأ پرخاشگری قلمداد شود اشاره می‌کنند. یکی از قدیم‌ترین نظریات دربارهٔ منشأ پرخاشگری نظریهٔ ذاتی‌بودن آن است که فروید و کنراد لورنس[۱۴] (برندهٔ جایزهٔ صلح نوبل) مطرح کرده‌اند. لورنس معتقد بود که پرخاشگری از غریزهٔ ستیزه‌جویی ناشی می‌شود که از انسان‌های اولیه به بشر امروز به ارث رسیده است، اما:

> اگرچه پرخاشگری از تمایلات درونی انسان‌ها ناشی می‌شود، متون علمی‌ـپژوهشی گوناگون دراین‌خصوص حاکی از آن است که این تمایلات در واقع با وجوه فرهنگی و اجتماعی زیادی آمیخته و درهم‌تنیده شده است (بارون و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۳۵).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

ناکامی نیز ازجمله دلایل اصلی پرخاشگری دانسته شده است. درواقع، «نیروی محرکهٔ پرخاشجویی با ناکامی رابطهٔ مستقیم دارد» (دوچ و کراوس، ۱۳۸۵: ۱۹). ازمنظر روان‌شناسی اجتماعی، علت اصلی خشونت خود خشونت است. اگر شخص مرتکب عمل پرخاشگرانه‌ای شود، به‌خصوص با شدتی فراتر از آنچه قربانی انجام داده است، نیروهای شناختی و انگیزشی با هدف توجیه آن پرخاشگری فعال می‌شوند و افزایش پرخاشگری را امکان‌پذیر می‌سازند (ارونسون، ۱۳۹۶: ۲۸۹). علل مختلف دیگری نیز ذکر شده است؛ ازجمله درد، خشم، دمای زیاد، ناکامی از دست‌یابی به موفقیت، تحریک مستقیم، عوامل شخصیتی، سوگیری اسنادی خصمانه، و به‌طورکلی، هر آنچه شخص را در رسیدن به خواسته‌هایش دچار مشکل کند. دراین‌میان، تفاوت‌های فرهنگی و نژادی نیز در شکل‌گیری و نحوهٔ بروز پرخاشگری مؤثر و متفاوت است. در *هفت‌اورنگ*، درقالب حکایات مختلف، با خشم افراد در جایگاه‌های مختلف اجتماعی مواجه می‌شویم. گاه از رفتار توأم با خشم و پرخاشگری حاکمان سخن رفته و گاه از خشم طبقات مختلف مردم نمونه‌هایی ذکر شده است. در جایی، از زبان ابلیس، تسلط بر مردم از راه ناتوانی آنها در مهار خشم ممکن دانسته شده است:

کــه در ایــن دایــرهٔ دیرشکســت کی برین طایفــه‌ات باشــد دســت؟
گفــت آن‌روز کــه از ظلمــت خشــم پرده‌شان بسته شود بــر دل چشــم
(جامی، ۱/۱۳۷۸: ۶۶۹)

جامی در «بیان غضب که آتش طبع افروختن است و خرمن دین و دنیا سوختن» (همان، ۳۴۹)، با چندین تمثیل به توصیف غضب و علل آن پرداخته است. نگرش جامی به مقولهٔ خشم، انعکاس باورهای دینی او است و پرخاش و خشم در نظر او تنها در دین و غیرت دین‌داری مجاز است؛ برای مثال: «**خشم کز غیرت دین شعله‌کش است/ روشنی‌جستن از آن شعله خوش است**» (همان، ۶۷۹)، یا «**چون برای خدا بود خشمت/ از دوبینی جدا بود چشمت**» (همان، ۳۵۰). از زبان رسول(ص) در تعریف پهلوانی نیز گفته است: «**پهلوان آن بود که گاه نبرد/ خشم را زیرپا تواند کرد**» (همان، ۳۵۰). جامی بعد از توصیه به پرهیز از غضب با چند حکایت به توضیح خشونت پرداخته است. در داستان «شکایت آن پادشاه از استیلای صفت غضب بر وی پیش حکیم و معالجه فرمودن حکیم وی را» (همان، ۳۵۱)، با پادشاهی مواجهیم که با وجود برخورداری از فضایل اخلاقی فراوان، از نقیصهٔ خشم و ناتوانی در کنترل آن رنج می‌برد و حکیم او را به صبر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

توصیه می‌کند. در توصیه‌های حکیم، بر صاحب‌اختیاربودن و غالب‌بودن شاه و لزوم بخشش تأکید شده است.

نظریه‌های شناختی پرخاشگری بر این‌باورند که «رفتار پرخاشگرانه تحت‌تأثیر تعامل بغرنجی از عوامل شناختی (طرح‌واره‌ها، ارزیابی رفتار دیگران، خاطرات و تداعی‌های حاصل از نشانه‌های پرخاشگرانه) قرار دارد» (بارون و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۳۹). برانگیختگی شدید نیز ممکن است پرخاشگری را افزایش دهد. درعین‌حال، تأثیر برانگیختگی بر پرخاشگری به تأثیر متقابل و پیچیدهٔ موجود میان هیجان و شناخت بستگی دارد.

> شناخت‌ها، برای مثال نوع تفسیر ما از انگیزه‌های نهان در پس رفتار دیگران، می‌تواند به‌شدت بر واکنش هیجانی ما درمقابل دیگران اثر بگذارد. هیجان شدید نیز بر توانایی ما در طرح برنامه‌های حساب‌شده یا گمانه‌زنی دربارهٔ پیامدهای احتمالی رفتار اختلال ایجاد می‌کند. این همان‌چیزی است که در روان‌شناسی به اثر نارسایی شناختی موسوم است (همان، ۴۶۴).

در داستان «ساقی که در مجلس نوشروان باده بر زمین می‌ریزد و سبب خشم پادشاه می‌شود» (جامی، ۱/۱۳۸۷: ۳۵۲)، استیلای خشم به‌دلیل برتری موقعیت اجتماعی و به‌تبع آن توانایی در اعمال خشونت بر دیگران و نقش عادت در رفتار شکل گرفته است. عادت به تندخویی و پرخاشگری یکی از عوامل افزایش وقایع خشونت‌آمیز در اجتماع است. درحقیقت، عادت‌های اخلاقی سبب شکل‌گیری نگرش افراد در طول زندگی می‌شود.

> هنگامی که افراد به اعمال پرخاشگرانه روی می‌آورند، این اعمال تمایل آنان را به رفتارهای پرخاشگرانه در آینده افزایش می‌دهد. هنگامی که کسی ما را خشمگین می‌کند، ابراز خصومتمان به او ظاهراً باعث می‌شود که احساس بهتری به ما دست دهد. بااین‌حال، ابراز خصومت احساس خصومت را کاهش نمی‌دهد (ارونسون، ۱۳۹۶: ۲۸۶).

برمبنای حکایات ذکرشده در *هفت‌اورنگ*، نکتهٔ مهمی را باید متذکر شد و آن نقش عوامل اجتماعی در شکل‌گیری رفتار افراد است. در جامعهٔ استبدادی برمبنای حکومت یک شخص بر کل جامعه و اعمال قانون ازسوی او، پرخاشگری و به‌تبع آن پیامدهای احتمالی چنین رفتاری همچون جور و ستم بر زیردستان نیز اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

۳. ۳. کشش و جاذبه

یکی دیگر از فاکتورهای مهم در روان‌شناسی اجتماعی مبحث کشش و جاذبه است و اینکه انسان‌ها چه وقت و چگونه جذب اطرافیان خود می‌شوند و چه ویژگی‌هایی در تمایل انسان‌ها به یکدیگر مؤثر است.

> به‌طورکلی، در روان‌شناسی اجتماعی این دیدگاه وجود دارد که ما مردمی را دوست داریم که رفتارشان بیشترین پاداش یا کمترین خرج را برای ما داشته باشد؛ مثلاً، افراد زیبا. ما افراد زیبا را بیشتر از افراد عادی دوست داریم. در واقع، زیبایی این افراد خودبه‌خود پاداش‌دهنده است (ارونسون، ۱۳۹۶: ۳۸۳).

جامی در داستان *یوسف و زلیخا* با اشاره به زیبایی چهرهٔ یوسف از زبان مردم در بی‌گناهی یوسف چنین آورده است:

نکورو می‌کشد از خوی بد، پای — چه خوش گفت آن نکوروی نکورای
که هرکس در جهان نیکوست رویش — بسی بهتر ز روی اوست خویَش

(جامی، ۲/۱۳۷۸: ۱۵۲)

از میان عوامل مهمی که در روان‌شناسی اجتماعی درباب میزان علاقهٔ افراد به یکدیگر مطرح شده است، می‌توان به فاکتورهای محبت و دوست‌داشتن، همانندی و شباهت، متضادبودن به‌جای مشابهت، و برخی ویژگی‌های شخصی اشاره کرد که هرکدام درقالب ریزفاکتورهایی قابل بررسی و تحلیل است. در *هفت‌اورنگ* و در میان داستان‌های برگزیدهٔ این پژوهش، معیارهایی همچون زیبایی و ویژگی‌های شخصیتی و فیزیکی افراد و در برخی موارد ویژگی‌های برتر شخصیتی و روحانی افراد در تمایل دیگران به آنها مؤثرند. در داستان «بازخریدن مجنون غزالی را از صیاد» (جامی، ۲/۱۳۷۸: ۳۱۰)، با استدلال مجنون دربرابر صیادی روبه‌رو می‌شویم که از غم عیال‌بارگی به صید آهویی دست زده که در چشم مجنون، همچون لیلی، بی‌عیب و پاک و مظهر زیبایی است. داستان با تلاش مجنون برای منصرف‌کردن صیاد از صید آهو با دادن بره‌ای از گلهٔ پدر جهت رفع حاجت صیاد ادامه می‌یابد. درحقیقت، «مردم کسانی را بیشتر دوست دارند که عقاید و علایق مشابهی با آنها دارند، دارای مهارت‌ها، و قابلیت‌های یکسانی هستند، ویژگی‌های پسندیده‌ای همچون وفاداری، مستدل‌بودن، صداقت و مهربانی دارند و همچنین به آنها علاقهٔ متقابل دارند» (ارونسون، ۱۳۹۶: ۳۸۲). جامی دراین‌باره گفته است:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

هرکـــه در راه عاشـــقی روزی — خـــورده باشـــد غـم دل‌افـروزی
هرچـه همرنـگ یـار او باشـد — از دل و جـــان شـــکار او باشـــد
(جامی، ۱/۱۳۷۸: ۲۱۶)

مفهوم کشش و جاذبه در سنت عرفانی ایران نیز سابقه‌ای طولانی دارد و احادیث متعددی از پیامبر و ائمه در گرایش افراد به همتای خود ضبط شده است. در آیهٔ ۲۶ سورهٔ نور نیز مصداق چنین موردی بیان شده که در «سلسله‌الذهب» هم به آن اشاره شده است:

از نبی آنچه حجت اسـت ایـن اسـت — «الخبیثات للخـبیثین» اسـت
هرکـه بینـی ز نـاقص و کامـل — نیسـت الا به جـنس خـود مایـل
(جامی، ۱/۱۳۷۸: ۳۲۴)

حکایت «مهمان‌شدن مجنون شخصی را و هم‌آوازشدن به مرغی که از جفت خویش جدا افتاده بود و ناله و فریاد می‌کرد» (جامی، ۲/۱۳۷۸: ۳۴۹)، با سرگشتگی مجنون در بیابان و دعوت مرد اعرابی برای اقامت در منزلش و دعوت به طعام آغاز می‌شود. مجنون نوای حزن‌انگیز مرغی را در حیاط خانه می‌شنود و از سبب آن می‌پرسد. صاحبخانه می‌گوید که جفت مرغ اسیر صیاد شده و فراق یار سبب غم مرغ آوازه‌خوان است. مجنون گویی همدرد خود را یافته باشد، به‌سراغ مرغ می‌رود و همراه با مرغ زاری می‌کند. جامی در بخش دیگری از *یوسف و زلیخا* از زبان زنان مصر مقبولیت را صفتی می‌داند که ممکن است هرکسی از آن بهره نداشته باشد:

بـه مقبـولی کسـی را دسـترس نیسـت — قبول خاطر انـدر دسـت کـس نیسـت
بســـا زیبـــارخ نیکوشـــمایل — که سویش طبـع مـردم نیسـت مایـل
بسـا لـولی‌وش شیـــرین کرشـــمه — که ریزد خون ز دل‌ها چشـمه چشـمه
(جامی، ۲/۱۳۷۸: ۱۴۳)

۳. ٤. پیش‌داوری و تبعیض

روان‌شناسان اجتماعی پیش‌داوری را نگرش منفی به گروهی مشخص براساس اطلاعات ناقص یا نادرست دانسته‌اند. پیش‌داوری بر نتیجه‌گیری افراد تأثیر می‌نهد و این نتیجه‌گیری‌ها احساسات منفی را تشدید و توجیه می‌کند؛ برای مثال، وقتی در یک جامعهٔ متعصب بزرگ شویم، اغلب تعصب‌ها و پیش‌داوری‌ها را بدون خرده‌گیری می‌پذیریم؛ مثلاً، اینکه زنان ساده‌لوح‌اند یا سیاه‌پوستان باهوش نیستند. می‌توان فرض کرد همهٔ ما به‌نحوی پیش‌داوری داریم، خواه علیه یک قوم، یا ملت، یا یک گروه نژادی، و خواه علیه اماکن جغرافیایی به‌منزلهٔ

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

مکان‌هایی برای زیستن یا علیه غذای معین (ارونسون، ۱۳۹۶: ۳۲۴). یکی از موارد پیش‌داوری مربوط به زنان و توانایی‌های آنهاست

> پیش‌داوری مبتنی بر جنسیت، که در واقع از پذیرش تصورات قالبی جنسیتی حکایت دارد، مبتنی بر این است که مردان و زنان دارای خصائل و ویژگی‌های عمیقاً متفاوت با یکدیگرند. این درحالی است که در واقع تفاوت‌های جنسیتی کمتر از آن‌چیزی است که تصورات قالبی وانمود می‌کنند (بارون و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۹۹).

پیش‌داوری دربارهٔ زنان یکی از تفکرات نهادینه در سنت پیشینیان در اغلب مناطق دنیاست. تفکراتی که طی آن، حتی افسانه‌های آفرینش انسان و خلق زن از پهلوی چپ مرد نیز به چالش کشیده می‌شود:

زن از پهلوی چپ شد آفریده — کس از چپ راستی هرگز ندیده
بداند هرکه بشناسد چپ از راست — که از چپ راستی مشکل توان خواست

(جامی، ۲/۱۳۷۸: ۱۳۹)

«هویت‌های جنسیتی، به‌شکلی که در فرهنگ‌های گوناگون به زن و مرد القا می‌شود، کمتر با فطرت و طبیعت و بیشتر با هنجارهای فرهنگی ارتباط دارد و بنابراین به اجتماع‌پذیری و اجتماعی‌شدن ربط پیدا می‌کند» (توکلی، ۱۳۸۲: ۳۷). پیش‌داوری تا حد زیادی بر ادراک و تفسیر ما از جهان و اطرافیان تأثیر می‌گذارد. در ایجاد پیش‌داوری مفاهیمی همچون «تصورات قالبی» و «قالب‌های فکری»[۱۵] سهم بسزایی دارد. قالب فکری «اسناد خصوصیات یکسان به همهٔ افراد یک گروه بدون درنظرگرفتن تفاوت‌های واقعی میان آنهاست» (ارونسون، ۱۳۹۶: ۳۲۵). در *هفت‌اورنگ* در «وصیت کدخدایان که از فرمان‌برداری زنان بپرهیزند» می‌توان قالب‌های فکری جوامع سنتی را (که در آن زنان جنس دوم تلقی می‌شدند و به‌همین‌دلیل هم‌رتبه با نفس و شیطان به‌شمار می‌آمدند) به‌خوبی مشاهده کرد؛ ازاین‌رو، توصیه به پرهیز از هم‌صحبتی با آنان یکی از مضمون‌های مکرر متون کلاسیک فارسی است:

تعلق به زن دست‌وپا بستن است — تجرد از آن بند وارستن است
کسی را که بند است بر دست‌وپای — چه امکان که آسان بجنبد ز جای...
خرد نام آن‌کس نه بخرد نهد — که این بار بیهوده بر خود نهد
دو زن چون به هم همنشینی کنند — به کار جهان خرده‌بینی کنند...
زن از زن چو در مشورت یافت کام — گرفت افعی‌ای ز افعی‌ای زهر وام

(جامی، ۲/۱۳۷۸: ۴۸۱)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

«جنسیت نظامی از عادات اجتماعی در سطح فردی و روابط اجتماعی است که مردم را به‌گونه‌ای متفاوت شکل می‌دهد و روابط نابرابری را سازمان‌دهی می‌کند» (سفیری و ایمانیان، ۱۳۸۸: ۶۳). این‌تلقی از وجود زنان، در قالب‌های فکری جوامع مردسالار ریشه دارد که طی آن زن و مشورت‌خواهی از او مساوی با تباهی است. در توضیح منشأ و سرچشمه‌های پیش‌داوری، گاه از نظریهٔ «مقوله‌بندی اجتماعی» استفاده می‌شود. این‌نظریه:

> مبتنی بر این واقعیت است که مردم به‌طورکلی جهان اجتماعی را به دو مقولهٔ جدا از یکدیگرِ «ما» و «آنها» تقسیم می‌کنند. آنها اشخاص را از این‌زاویه می‌نگرند که یا در گروه خودی قرار می‌گیرند یا در گروه دیگران. چنین تمایزگذاری‌ای ابعاد گوناگونی دارد که ابعاد نژادی، مذهبی، جنسیتی، سنی و... تنها تعداد اندکی از آنها به‌شمار می‌رود (بارون و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۶۶).

جامی در حکایت «پرویز و مرد ماهیگیر» و بخشیدن پاداشی گزاف به او و مانع‌شدن شیرین از بخشش بسیار و زیرکی مرد ماهیگیر در پاسخ به سؤالات خسروپرویز و مجبورشدن خسرو به دوبرابرکردن صلهٔ او می‌گوید:

از آن پس بگفتا که کارآگهان　　منادی کنند این سخن در جهان
که باشد به فرمودهٔ زن عمل　　زیان بر زیان و خلل بر خلل...
بیا ساقی و جام مردانه ده　　بزن جام بر سنگ و پیمانه ده...
که بر بخرد این نکته روشن بود　　که مأمور زن کمتر از زن بود!

(جامی، ۲/۱۳۷۸: ۴۸۴)

در این داستان، چون نتیجه موافقِ میلِ خسرو نبود، برمبنای قالب‌های فکری ازپیش‌تعیین‌شده دچار پیش‌داوری و درنتیجه «سوگیری خدمت به خود»[۱۶] می‌شود؛ یعنی «نسبت‌دادن موفقیتِ خود، به توانایی و تلاش شخصی و شکست به شانس و عوامل بیرونی» (مایرز، ۱/۱۳۹۲: ۱۱۱)، در نتیجه زن و نصیحت‌پذیری از وی را کاری خوارکننده می‌داند و شأن چنین فردی را حتی کمتر از خود زن برآورد می‌کند. خسروپرویز خود را بازندهٔ این داستان می‌داند و ازاین‌رو علت اصلی و مسبب چنین اتفاقی را بیرون از خویشتن و در مشورت با زن و همسر خویش می‌داند و نه تصمیم شخصی خود. در غالب موارد، نگرش منفی هستهٔ اصلی پیش‌داوری را شکل می‌دهد. «سیمون دوبوار می‌گوید این طبیعت نیست که محدودیت نقش‌های زنان را موجب شده، بلکه این نقش‌ها زاییدهٔ مجموعه‌ای از پیش‌داوری‌ها، سنت‌ها

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

و قوانین ممکن بوده است» (آندره، ۱۳۷۲: ۱۱۵). در *هفت‌اورنگ*، دربرابر چنین زنی، زنی آرمانی توصیف شده که جز در خیال وجود ندارد:

مکن زن وگر زن کنی زینهار — زنی کن بری از همه عیب و عار...
جمال وی از چشم بیگانه دور — ز نزدیکی آشنایان نفور...
چنین زن نیابی به‌جز در خیال — وگر زانکه یابی به‌فرض محال
غنیمت شمر دامن پاک او — که از خون صد مرد به خاک او
ولی آن‌چنان هم زبونش مشو — که داری به فرمان او دل گرو

(جامی، ۲/۱۳۷۸: ۴۸۱)

درواقع، «نظام جنسیت در فرآیندها، عادت‌ها، تصاویر ایدئولوژی و توزیع قدرت در اقشار گوناگون زندگی اجتماعی حضور دارد و شامل دو نوع فرآیند ایجاد تمایزها و نابرابری ناشی از این تمایزهاست» (سفیری و ایمانیان، ۱۳۸۸: ۱۹۹). در حکایت «آن زن که در دیار مصر سی‌سال در مقام حیرت بر یک‌جای بماند» نیز با زنی روبه‌رو هستیم که برخلاف پیش‌داوری‌های ناشی از تفکر قالبی زمانهٔ شاعر، در عرفان به مقام والایی دست یافته است، اما در مقام تعریف و تمجید نیز توصیف جامی از او چنین است که او را از صد «مرد» برتر دانسته است:

زن مگویش که در کشاکش درد — یک‌سر موی او به از صد مرد

(جامی، ۱/۱۳۷۸: ۲۸۰)

تصورات قالبی در ذهن شاعر، که برگرفته از محیط اجتماعی است، چنان در ذهن جامی حک شده که او ناخودآگاه در پرداخت شخصیت زنان صاحب‌فضل نیز برتری مردان را از یاد نمی‌برد. باید گفت «ارزش‌ها و هنجارهای گروه مرجع یک فرد، مهم‌ترین تکیه‌گاه او را در شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی‌اش تشکیل می‌دهد» (صدیق‌سروستانی و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۵۳). نوع دیگری از پیش‌داوری در *هفت‌اورنگ* به طبقهٔ اجتماعی یا نژادی افراد مربوط است. به‌عبارت‌دیگر، گاهی پیش‌داوری از تفاوت‌های موجود در جایگاه اجتماعی و تمایل افراد به توجیه و حفظ این‌تفاوت‌ها ناشی می‌شود. نگاه طبقاتی به افراد در بسیاری از فرهنگ‌ها نمود یافته است و نگاه منفی به طبقهٔ یادشده مبنای قضاوت و تصمیم افراد در طول زندگی می‌شود.

پدیدهٔ پیش‌داوری یا حکم پیش‌ساختهٔ منفی، در گروه‌هایی پدیدار می‌شود که از جهات بسیاری همانند نیستند. پیش‌داوری را می‌توان وسیله‌ای دانست که به غرض منتهی می‌شود؛

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

یعنی ممکن است معلول انگیزه‌های اقتصادی و لزوم یافتن مقصری ساختگی یا وسیله‌ای برای بالابردن قدر و منزلت شخص باشد (کلاین‌برگ، ۱۳۸۶: ۶۱۹).

در مثنوی *لیلی و مجنون* ماجرای آگاه‌شدن پدر مجنون از دلبستگی پسرش به دختری از طایفه‌ای دیگر با نصیحت پسر و منع‌کردن او از ادامهٔ این راه همراه است:

در مذهب عقل نیست چیزی　　مشعوف‌شدن به هر کنیزی
تو خضروشی به سربلندی　　خضرای دمن وی از نژندی
عالم همه خاک پای خضر است　　خضرای دمن چه جای خضر است

(جامی، ۲/۱۳۷۸: ۲۶۵)

واژه‌هایی از قبیل «خس»، «کنیز»، «زاغ» و... در این شعر، اوج نگاه دیگرگونه و طبقاتی پدر مجنون را به دلداده پسر بیان می‌کند. نگاهی که برگرفته از هنجارهای پذیرفته‌شدهٔ جامعه‌ای است که مناسبات ازپیش‌تعیین‌شدهٔ آن راه را بر هر نوع نگاه دیگری سد می‌کند، تا جایی که هرگونه تخطی از آن با تعصب و پیش‌داوری و انکار مواجه می‌شود. در چنین دیدگاهی، طایفهٔ مقابل ارزش و اعتبار کمتری دارد؛ ازاین‌رو، تبعیض و ارجاع صفات ناپسند به آن، نه‌تنها بد نیست، بلکه به‌گونه‌ای ارزش هم حساب می‌شود.

۳. ۵. ارتباط‌جمعی و متقاعدسازی

اقناع یا متقاعدسازی را تغییر گرایش برمبنای دریافت اطلاعات جدید دانسته‌اند. «همچنین، به‌معنی تحت‌تأثیر قراردادن واکنش‌ها و نگرش‌های افراد در رابطه با موضوعات خاص است» (برکویتز، ۱۳۷۲: ۲۶۶). دربارهٔ اینکه چگونه و چه زمانی می‌توان افراد را متقاعد ساخت، در روان‌شناسی اجتماعی موارد متفاوتی ذکر شده است که می‌توان از ماهیت پیام، منبع ارتباط، ترتیب عرضهٔ مطالب و ویژگی‌های مخاطبان نام برد؛ برای مثال، اینکه چه‌کسی منتقل‌کنندهٔ پیام است و از چه جایگاهی برخوردار است و مخاطب تا چه حد به او اعتماد دارد؛ همچنین، نوع انتقال پیام، توسل به هیجان یا گفت‌وگوی منطقی، استدلال‌کردن برای متقاعدکردن مخاطب، زمان بیان پیام و نحوهٔ عرضهٔ آن و نیز ویژگی مخاطب و زودباور یا دیرباوربودن او در متقاعدسازی تأثیر بسزایی دارد.

در *هفت‌اورنگ*، که باورهای عرفانی و آموزه‌های اخلاقی عصر شاعر را نمایان می‌کند، حکایات و تبادل ارتباط بین شخصیت‌ها عرصهٔ وسیعی از پیام‌های عرفانی است که جامی به مخاطبان خود عرضه کرده است. این اقناع و متقاعدسازی گاه از زبان شاعری برای زدودن

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

غم مخدوم خود «در حکایت بریدن زلف ایاز توسط سلطان محمود» (جامی، ۱/۱۳۷۸: ۳۷۳) و آوردن حسن تعلیل‌های ادبی است و گاه آه «پیرزنی ریسندهٔ دوک» که بر دل وزیری غافل مؤثر واقع می‌شود؛ «حکایت آن فرورفته به چاه جاه» (جامی، ۱/۱۳۷۸: ۵۹۹) و گاه فصول مختلف کتاب به توصیف هنجارهای مختلف اجتماع اختصاص می‌یابد. به‌طورکلی، ارتباط جمعی بین افراد در اجتماع و طبقات مختلف ازطریق تبادل اطلاعات و ردوبدل پیام‌هایی صورت می‌گیرد که گاه بر رعایت هنجارهای اجتماع تأکید می‌کند و گاه حاوی پیامی است که بر نگرش‌ها و ارزش‌های فردی و اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد. به‌تعبیر دیگر: «ما دنیای اجتماعی‌مان را از دریچهٔ عینک باورها، نگرش‌ها و ارزش‌هایمان می‌بینیم» (مایرز، ۱/۱۳۹۲: ۱۳۳). نمونه‌ای از متقاعدسازی در قالب تمثیل را می‌توان در گفت‌وگوی روباهی با مادر خود مشاهده کرد، آنجا که از مادر می‌خواهد روشی به او بیاموزد که از مکر سگان ده در امان باشد:

گفت از آن بازی‌ای نبینم به — که تو در دشت باشی، او در ده
چشم وی بر تو، چشم تو در وی — نفتد، ورنه افتدت در پی
بکشد گرنه حق شود یاور — پوستینت ز پشت، پوست ز سر

(جامی، ۱/۱۳۷۸: ۱۶۱)

متقاعدسازی به فرآیند تغییر نگرش اطلاق می‌شود. اولین مدل توصیفی مستدل و مجاب‌کننده درخصوص متقاعدسازی بر فرآیندهای شناختی متمرکز است که در پس‌زمینهٔ تغییر نگرش قرار دارد. فرآیندهایی شامل پردازش نظام‌مند محتوای پیام و همچنین فرآیند استفاده از قواعد سادهٔ رهنمودی درخصوص نشانه‌هایی در پیام و یا در حول‌وحوش دریافت‌کنندگان پیام، به‌ویژه هنگامی که توانایی یا انگیزهٔ کمی برای نگاهی نزدیک‌تر و توجهی دقیق به پیام دارند، تمایل خاصی برای به‌کارگیری قواعد آسان‌ساز رهنمودی از خود نشان می‌دهند (بارون و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۴۷).

حکایت «شکایت آن پادشاه از استیلای صفت غضب بر وی پیش حکیم و معالجه‌فرمودن حکیم وی را» (جامی، ۱/۱۳۷۸: ۳۵۰) را نیز می‌توان، علاوه‌بر مقولهٔ پرخاشگری، از منظر متقاعدسازی نیز بررسی کرد. کلام منطقی حکیم و نحوهٔ استدلال او یکی از عوامل متقاعدشدن پادشاه بود.

بیش از ۳۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، ارسطو نخستین روان‌شناس اجتماعی جهان چنین نگاشت: ما گفتار نیک‌مردان را کامل‌تر و آسان‌تر از دیگران باور می‌کنیم. این امر، صرف‌نظر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

از اینکه مطلب چه باشد، عموماً صحت دارد و هرگاه اطمینان کامل، غیرممکن و عقاید مختلف باشد، این امر قطعاً صادق است (ارونسون، ۱۳۹۶: ۱۰۱).

در «علم معانی» نیز، که بر چگونگی و نحوهٔ ادای کلام دربرابر انواع مخاطب تأکید می‌شود، تا کلام علاوه‌بر رسانندگی قدرت اقناع نیز داشته باشد، تا حدودی با این مؤلفهٔ روان‌شناسی اجتماعی مشابهت‌هایی وجود دارد. در حکایت معروف «بریدن زلف ایاز توسط سلطان محمود» (جامی، ۱/۱۳۷۸: ۳۷۳) و پشیمانی او از این‌کار نیز باز قدرت کلام عنصری و حسن تعلیل او در خرم‌نمودن دل سلطان، اوج قدرت کلام نافذ را در نهادن تأثیری متفاوت شاهدیم. نحوهٔ بیان پیام نقش مهمی در تعیین تأثیر آن دارد. توسل به محرک‌های هیجانی، ارائهٔ استدلال، یادآوری تجربهٔ پیشین، ویژگی شخصیتی مخاطب، و میزان برخورداری او از عزت‌نفس و... از عوامل مهم در شدت تأثیرگذاری هستند. در داستان «انوشیروان و ساقی که لباس او را به باده آلود» (جامی، ۱/۱۳۷۸: ۳۵۲)، پس‌ازآنکه انوشیروان قصد مجازات ساقی را کرد و سپس، در اثر رفتار و گفتار او، از مجازات منصرف شد، باید به نکتهٔ مهمی دربارهٔ اقناع توجه کرد و آن اینکه متقاعدسازی با جنبه‌های اساسی شناخت اجتماعی رابطهٔ تنگاتنگی دارد:

اقناع شکلی از نفوذ اجتماعی است. نوع برخورد دریافت‌کنندهٔ پیام از مهم‌ترین عوامل در فرآیند اقناع/متقاعدسازی به‌شمار می‌رود. آیا دریافت‌کنندهٔ پیام قادر است و می‌خواهد تلاش کند تا با دقت و درستی با اطلاعات محتوای پیام مواجه شود؟ ازآنجاکه دریافت‌کنندهٔ پیام در ارزیابی پیام شرکت فعال دارد، میزان تأثیر اقناع در چنین مواردی بستگی به آن دارد که دریافت‌کنندهٔ پیام در مورد محتوای آن چه فکر می‌کند (بارون و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۳۶).

مثال دیگر، حکایت ظلم حجاج است که چون به غایت رسید و قصد کرد سر مخالفان را از زیر تیغ تیز عداوت خود بگذراند، تیززبانی یکی از آنها و حجت سنجیده گفتن او، سبب انصراف حجاج شد (جامی، ۱/۱۳۷۸: ۵۷۶). نمونه‌های دیگری از متقاعدسازی نیز می‌توان در در *هفت‌اورنگ* یافت: «حکایت بیوه‌زنی از نسا و سلطان محمود» (همان، ۳۳۷)، «مقاولهٔ شاعر مادح با خواجهٔ ممدوح» (همان، ۳۷۶)، «حکایت آن حکیم دریادل که غریقی را به کمند نصیحت از گردآب اندوه بیرون آورد» (همان، ۶۱۶)، و «معالجه‌کردن بوعلی‌سینا آن صاحب مالیخولیا را» (همان، ۳۶۹).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

نتیجه‌گیری

مطالعهٔ *هفت‌اورنگ* جامی ازمنظر مؤلفه‌های روان‌شناسی اجتماعی نشان داد که چند مؤلفهٔ روان‌شناسی اجتماعی در آن پررنگ‌تر از مؤلفه‌های دیگر است: کشش و جاذبه، هم‌رنگی، پیش‌داوری، پرخاشگری، ارتباط جمعی، و متقاعدسازی. در ارزیابی کلی *هفت‌اورنگ* چند نکتهٔ مهم درخور ذکر است: اول، نقش گروه و طبقهٔ اجتماعی در شکل‌گیری رفتار افراد؛ دوم، نقش باورها و قالب‌های فکری و گرایش‌های عمومی در شکل‌گیری رفتار؛ سوم، نقش فرهنگ و رسوم جامعه بر شکل‌گیری رفتار. نحوهٔ ظهور مؤلفه‌های مشخص‌شده نیز به‌فراخور موقعیت و کنش داستانی و در فحوای مضامین داستانی متفاوت است. مؤلفه‌های روان‌شناسی اجتماعی در *هفت‌اورنگ* تا حدود زیادی با تفکرات سنتی جامی، آموزه‌های اخلاقی، هنجارهای اجتماع، قالب‌های فکری، فرهنگ حاکم بر جامعه و نگاه او به جهان اطرافش مناسبت دارد.

در مؤلفهٔ هم‌رنگی، نگاه جامی به هم‌رنگی در حوزهٔ درونی‌کردن و متابعت و همانندی تا حدود زیادی بر مفاهیم مطرح در روان‌شناسی اجتماعی منطبق است. پیش‌داوری‌ها در *هفت‌اورنگ* بیشتر بر نظریهٔ «مقوله‌بندی اجتماعی» و فرآیند تفکیک افراد به مقوله‌های «ما» و «آنها» و نیز نظریهٔ «یادگیری اجتماعی» استوار است. تقسیم جهان به مردانه و زنانه و تمایز افراد این دو گروه با زدن برچسب به آنها و نیز تکرار این تفکر به‌صورت آموزه‌های اخلاقی نمونه‌ای از این موارد است.

در مقولهٔ کشش و جاذبه شباهت و همانندی و زیبایی چهره و ویژگی‌های فردی، در جذب و ایجاد ارتباط مؤثر اشخاص با یکدیگر از اولویت برخوردار است. در مؤلفهٔ هم‌رنگی، با سه نوع پاسخ به نفوذ اجتماعی مواجهیم: همانندسازی، متابعت، و درونی‌کردن. می‌توان مناسبات اجتماعی و ارتباط جمعی با دیگران و نقش مصلحت‌اندیشی و سودای سود و زیان، متابعت از مراجع قدرت و حکام، و تأثیر جبر حاکم بر رفتار متابعت‌کننده را از مهم‌ترین دلایل افراد برای تمایل به همرنگی و ملبس‌شدن به لباس دیگران دانست. بسامد متابعت در *هفت‌اورنگ* با توجه به ساختار اجتماعی، برمبنای اعمال نفوذ حاکمان و مراجع قدرت در متابعت زیردستان درخور توجه است. درونی‌کردن یکی از مهم‌ترین پاسخ‌های موجود در *هفت‌اورنگ* به نفوذ اجتماعی است. مبنای آموزه‌های عرفانی جامی در این کتاب را می‌توان با مؤلفهٔ درونی‌کردن تشریح کرد. برتری در موقعیت اجتماعی و به‌تبع آن توانایی در اعمال

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

خشونت بر دیگران و نقش عادت در رفتار از عوامل مهم پرخاشگری است. نگرش جامی در مقولهٔ خشم، انعکاسی از باورهای دینی او است. در حوزهٔ متقاعدسازی و ارتباط جمعی، بسامد تبادل اطلاعات و روابط افراد در گروه‌های مختلف اجتماع و طبقات مختلف گاه بر رعایت هنجارهای اجتماع تأکید می‌کند و گاه حاوی پیامی است که بر نگرش‌ها و ارزش‌های فردی و اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد. در این بخش، نقش کلام مؤثر و نحوهٔ ارائهٔ آن در نفوذ بر مخاطب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

پی‌نوشت

1. Psychology
2. Social Psychology
3. Aronson, Elliot
4. Robert A.Baron
5. Klineberg, Otto
6. Triplett
7. Tard
8. LeBon
9. Kurt Lewin
10. E.A.Ross
11. George Herbert Mead
12. Conformity
13. Aggression
14. Konrad Lorenz,1974
15. Stereotypes
16. Self-serving bias

منابع

آندره، میشل (۱۳۷۲) *جنبش اجتماعی زنان*. ترجمهٔ هما زنجانی‌زاده. تهران: نیکا.

ارونسون، الیوت (۱۳۹۶) *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمهٔ حسین شکرکن. چاپ دوازدهم. تهران: رشد.

استوتزل، ژان (۱۳۷۴) *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمهٔ علی‌محمد کاردان. تهران: دانشگاه تهران.

بارون، رابرت؛ دان برن، و بلرتی جانسون (۱۳۸۹) *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمهٔ علی تحصیلی. تهران: کتاب آمه.

بارون، رابرت؛ دان برن، و نایلا برنسکامپ (۱۳۹۶) *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمهٔ یوسف کریمی. تهران: روان.

برکویتز، لئوناردو (۱۳۷۲) *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمهٔ محمدحسین فرجاد و عباس محمدی‌اصل. تهران: اساطیر.

بونر، جرد، و مایکل وانک (۱۳۹۰) *نگرش و تغییر نگرش*. ترجمهٔ جواد طهوریان. تهران: رشد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.8.5]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.101]

توکلی، نیره (۱۳۸۲) «فرهنگ و هویت جنسی با نگاهی بر ادبیات ایران». *نامهٔ انسان‌شناسی*. شمارهٔ ۳: ۳۱-۷۰.

جامی، عبدالرحمن (۱۳۷۸) *مثنوی هفت‌اورنگ*. تحقیق و تصحیح جابلقا دادعلیشا و همکاران. تهران: مرکز مطالعات ایرانی.

حیدریان، محمود (۱۳۴۷) *مبانی روان‌شناسی اجتماعی*. تهران: بابک.

دوچ، مورتون، و روبرت. م. کراوس (۱۳۸۵) *نظریه‌ها در روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمهٔ مرتضی کتبی. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.

سالاری‌فر، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۶) *روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

سفیری، خدیجه، و سارا ایمانیان (۱۳۸۸) *جامعه‌شناسی جنسیت*. تهران: جامعه‌شناسان.

صدیق‌سروستانی، رحمت‌اله، و سیدرضا هاشمی (۱۳۸۱) «گروه‌های مرجع در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی با تأکید بر نظریه‌های مرتن و فستینگر». *نامهٔ علوم اجتماعی*. شمارهٔ ۲۰: ۱۴۹-۱۶۷.

طلوعی، علی (۱۳۹۷) *جامعه‌شناسی عشق*. تهران: جامعه‌شناسان.

فروم، اریک (۱۳۶۳) *گریز از آزادی*. ترجمهٔ داوود حسینی. تهران: گلشائی.

کریمی، یوسف (۱۳۹۹) *روان‌شناسی اجتماعی*. چاپ سی‌ونهم. تهران: ارسباران.

کلاین‌برگ، اتو (۱۳۸۶) *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمهٔ علی‌محمد کاردان. چاپ یازدهم. تهران: علمی و فرهنگی.

کوئن، بروس (۱۳۸۷) *مبانی جامعه‌شناسی*. ترجمهٔ غلامعباس توسلی و رضا فاضل. تهران: سمت.

گلاور، جان ای، و راجر اچ برونینگ (۱۳۸۵) *روان‌شناسی تربیتی*. ترجمهٔ علینقی خرازی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

مایرز، دیوید (۱۳۹۲) *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمهٔ حمید شمسی‌پور. تهران: ارجمند.

ولک، رنه، و آستن وارن (۱۳۸۲) *نظریهٔ ادبیات*. ترجمهٔ ضیاء موحد و پرویز مهاجر. چاپ دوم. تهران: علمی و فرهنگی.

هام، مگی (۱۳۸۲) *فرهنگ نظریهٔ فمینیستی*. ترجمهٔ فیروزه مهاجر، نوشین احمدی‌خراسانی، و فرخ قره‌داغی. تهران: توسعه.